

در مدح امیرالمؤمنین (علیه السلام)^۱

- ۱ مقتدای خلق بعد از مصطفی پیداست کیست
 سرور مردان و شاه اولیا پیداست کیست
 صاحب تیغ و لواء ناصر اسلام و دین
 خویش و پیوند و وصی مصطفی پیداست کیست
 منصب میراث اگر دارند اولاد نبی
 سرور و سرچشمه آل عبا پیداست کیست
 و بر به تشریف از کلام الله می آری دلیل
 حُلّه پوشِ اِنْمَا وَ هَلْ اَتَى پیداست کیست
- ۵ رهروان راه جنت را ازین رحلت سرا
 کاروان سالار اقلیم بقا پیداست کیست
 و ز تمکین وقار و جود می گویی سخن
 کوه علم و موج دریای عطا پیداست کیست
 و ز قرب حضرت و علم قدر رانی حدیث
 واقف گنجینه سرّ قضا پیداست کیست
 در حریم حرمت عزّ و عنایت محترم
 محرم خلوت سرای کبریا پیداست کیست
 منصب مردم اگر باشد به علم و معرفت
 در علوم و معرفت مشکل گشا پیداست کیست
- ۱۰ صاحب لا سیف بر ارباب دین پوشیده نیست
 قابل تشریف و قول لافتی پیداست کیست

۱. دیوان آذری اسفراینی، صص ۳۱-۳۵.

بابِ خیر را به بازوی علیِّ بابِها

آن که بر کند و بر افگند از قفا پیداست کیست
آن که می بست او زره بر پیش در روزِ وغا
تا که ندهد پشت هنگامِ غزا، پیداست کیست
در حرم همچون خلیل الله گشته بت شکن
آن که بر دوش نبی بنهاد پا پیداست کیست
در شب معراج او آدنای خیر المرسلین
سدره را اندر ولایت منتها پیداست کیست
۱۵ گرندانی آل عمران را روز قرآن بخوان
در خور تعظیم و تاج اصطفی پیداست کیست
بر سپهر مکرمت بر اوج تعظیم و شرف
آفتاب آمد نبی، بدژالدجا پیداست کیست
در مقامی کانبیا و خلق در ماند به خود
روز محشر حامی جرم و خطا پیداست کیست
اندر آن میدان که شیران جمله روباه آمدند
در گه هیجا بسان اژدها پیداست کیست
گرچه اصحاب محمد محترم بودند لیک
صاحبُ السر در خلا و در ملا پیداست کیست
۲۰ روبهند آنان که بهر جیفه حیلت کرده اند
در میان روبهان شیر خدا پیداست کیست
ور به حرب نفس و شیطان می رسد مردم به حق
مرگ شیطان قاتل نفس و هوا پیداست کیست
ور غنای مردمی باشد در اوصاف کمال
شاه مردان بس غنی آمد گدا پیداست کیست

بینوا آن است کز معنی انسانی تهی است
 هست او دریای معنی بینوا پیداست کیست
 گر کسی خواهد که باشد جامع فضل و کمال
 قابل مدح و سزاوار ثنا پیداست کیست
 ۲۵ این همه خُلق و مرُوت این همه فضل و شرف
 ز ابتدا بعد از نبی تا انتها پیداست کیست
 آن که بعد از مصطفی کرد او خلاف اهل بیت
 دشمن ذرّیت خیرالتّسا پیداست کیست
 شرط اُمت با نبی بر عهد او کردن وفاست
 بعد از آن با اهل بیتش بی وفا پیداست کیست
 چون امامانند ختم اُولین و آخرین
 روز محشر در شفاعت ملتجا پیداست کیست
 کیست از بعد علی در خلق مانند حسن؟
 در شهادت چون شهید کربلا پیداست کیست
 ۳۰ باز در طور امامت همچو زین العابدین
 گوهر بحر بلا و ابتلا پیداست کیست
 همچو باقر بحری از علم ولایت هم که دید
 مثل صادق نیز در صدق و صفا پیداست کیست
 همچو موسی کاظمی در اُمت پیشین که یافت
 در امامت چون علی موسی الرضا پیداست کیست
 شد تقی بعد از تقی یعنی محمّد پس علی
 جز علی بعد از محمّد مقتدا پیداست کیست
 بعد از ایشان عسکری آمد امام جن و انس
 بعد از و هادی در اصحاب هدی پیداست کیست

۳۵ پیشوایان ذوی القربا که می گوید کلام

آن که مذکورند بعد قل کافی پیداست کیست
کاروان کعبه تحقیق اینها نیستند و بس
گر ندانی تورفیق و رهنما پیداست کیست
گر نمی دانی که اینها اهل و اولاد که اند
کوکب واللیل والشمس و الصّحی پیداست کیست
هیچ می دانی امامان وارثان کیستند؟
صاحب معراج و اوحی و دنی پیداست کیست
من محب آل عمرانم خلاف خارجی

۴۰ و اندر این دین، صادقم، قلب و دغا پیداست کیست
گر ندانی تو علی و آل را هرگز مدان

آفتاب و انجم از اوج سما پیداست کیست
جمله اهل بیت در بند سرای دیگرند
آری اندر بند این محنت سرا پیداست کیست
مؤمنان را غیر این عالم سرای دیگر است
ز اهل معنی بسته این تنگنا پیداست کیست
کیست ممدوح تو گفتی گر نمی دانی بدان
آفتاب دین علی مرتضی پیداست کیست
صدهزاران مرشد و هادی و پیر و رهبر است

۴۵ زین همه هادی و مرشد، پیر ما پیداست کیست
شهریارانند اولاد و متابع چون رئیس

در حریم او رئیس و رهنما پیداست کیست
گر رود اینجا بسی دعوی باطل باک نیست
در شریعت قاضی روز جزا پیداست کیست

گر ز مشرق تا به مغرب پیشوا و رهبر است
 «آذری» را رهبر و هم پیشوا پیداست کیست
 اندر این ابیات گفتم حاصل دین را ولیک
 سرشناس معنی این گفته‌ها پیداست کیست
 یا امامان ما شفاعت خواه غرق ذلتیم
 حامی ما روز محشر جز شما پیداست کیست
 ۵۰ چون شما از بهر مظلومان این آخر زمان
 صاحب تسیح و تهلیل و دعا پیداست کیست
 دیگران مثل سُهَیْنِد و شما بدر منیر
 هر کجا بدر منیر آمد سها پیداست کیست

شرح قصیده

بیت ۲: عبارت صاحب لوا اشاره دارد به داستان فتح خیبر که پیامبر ﷺ فرمودند: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَ يَحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (صحیح مسلم، ج ۴؛ ص ۱۸۷۱)؛ فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. و پرچم را به دست حضرت امیر (علیه السلام) داده و ایشان قلعه را فتح کردند.

روایات مبنی بر جانشینی و وصایت حضرت امیر (علیه السلام) بسیار است که در اینجا به نقل یک روایت بسنده می‌کنیم: «... وَ هُوَ أَخِي وَ وَصِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَ مَنْ وَاقَفَهُ وَاقَفَنِي وَ مَنْ خَالَفَهُ خَالَفَنِي» (الأمالی للصدوق، ص ۳۵)؛ و او برادر من و وصی من بر امت من در زمان حیات من و پس از مرگ من است. هرکس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده و هرکس با او موافقت کند، با من موافقت کرده و هر کس با او مخالفت کند، با من مخالفت کرده است.

برای اطلاعات بیشتر به کتاب الغدير نوشته علامه امینی مراجعه شود.

بیت ۴: خله: جامه. آلوسی می‌نویسد: روزی حضرت امیر (علیه السلام) در مسجد به نماز ایستاده

بودند که صدای فقیری برای طلب کمک شنیده شد. حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به او بخشیدند و آیه «۵۵ سوره مائده» در شأن ایشان نازل می‌شود: (روح المعانی، ج ۳: ص ۳۳۴). **إِنَّمَا وَهَلَ أَمِّي** نیز به آیات ۵۵ سوره مائده و یک سوره انسان برمی‌گردند. در تفسیر سوره انسان آورده‌اند که روزی حسنین (علیهما السلام) بیمار می‌شوند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) حضرت زهرا (علیها السلام) و فضه نذر می‌کنند که اگر شفا یافتند سه روز متوالی روزه بگیرند. در این سه روز، هنگام افطار شخصی می‌آید و طلب کمک می‌کند و حضرات افطار خود را به ایشان می‌بخشند تا اینکه در روز سوم خداوند از بهشت طعامی برای ایشان می‌فرستد. (روح المعانی، ج ۱۵: ص ۱۷۲).

بیت ۶: تمکین: شوکت و وقار.

بیت ۷: قضا و قدر: (رک: صفحه ۹۱-۹۲، ذیل بیت ۵۲)

بیت می‌گوید: حضرت علی (علیه السلام) آن قدر به پروردگار نزدیک شده که علم به قضا و قدر پیدا کرده بودند. در خصوص دانش حضرت روایات گوناگونی نقل شده است. از جمله اینکه خود حضرت می‌فرماید: «در باره هر چه می‌خواهید از من پرسید قبل از آنکه مرا نیابید. به خدا قسم من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم... نزد من علم منیا و بلایا و فصل خطاب^۱ است. هیچ آیه‌ای نازل نشده مگر آنکه می‌دانم درباره چه و در کجا و بر چه کسی نازل شده است.» (أسرار آل محمد (علیهم السلام)، ص ۳۷۳).

بیت ۱۰: تشریف: شرف دادن، خلعت، جامه‌ای که از طرف پادشاه به کسی داده شود. ابن اثیر در ذکر جنگ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در غزوه احد می‌گوید: «**فَسَمِعُوا صَوْتًا: لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ**» (الكامل فی التاریخ، ج ۲: ص ۴۴): صدایی از آسمان شنیدند که می‌گفت: شمشیری به جز ذوالفقار و مردی به جز علی (علیه السلام) نیست.

بیت ۱۱: در جریان غزوه خیبر پس از اینکه بعضی از اصحاب با پرچم اسلام به قصد فتح قلعه رفتند و ناموفق بازگشتند، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرچم را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) داد و ایشان قلعه را فتح کردند. (الارشاد، ج ۱: ص ۱۲۶)؛ همچنین اشاره دارد به حدیث «**أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ...**» در صفحه ۵۲، ذیل بیت ۴۹.

۱. فصل الخطاب (در اینجا): کلام فصیح که حق و باطل را جدا سازد و در قضاوت، دعوا را خاتمه دهد.

بیت ۱۲: وعا: جنگ. اشاره دارد به این روایت که زره حضرت پشت نداشت. (بحارالأنوار، ج ۴۲: ص ۵۸)

بیت ۱۳: در جریان فتح مکه پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور داد که پا بر دوش ایشان بگذارد و بت‌ها را بشکند. (الطرائف، ج ۱: ص ۸۰).

بیت ۱۴: «او ادنی» اشاره دارد به آیه *ثُمَّ سَوَّاهُ سَوَاءً وَجْهًا وَأَدْنَىٰ أُولَٰئِكَ أَنبَاءٌ لِّعِبَادِكُم يُضِلُّونَ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ* (سوره نجم). همچنین ارتباط حضرت علی (علیه السلام) با شب معراج در این بیت بیان شده است. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده است: «حضرت رسول ﷺ فرمود: آن شبی که مرا به آسمان می‌بردند، به سدره‌المنتهی رسیدم. جبرئیل به من گفت: ای محمد، چه کسی را در روی زمین به جای خود گذاشتی؟ گفتم: پروردگارا! عادل‌ترین فرد زمین و صادق‌ترین آن و پاک‌ترین و امین‌ترین آن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام). پس به من گفت: سلام مرا به او برسان و به او بگو: من از اسم‌های خود بر تو نهادم و او را علی (علیه السلام) نامیدم. من خود همان علی اعلی (رفیع‌الشان بلندمرتبه) هستم. وقتی پیامبر ﷺ این حدیث را برای قریش خواند، گروهی گفتند: خداوند چیزی به محمد ﷺ وحی نکرده است. او از خودش این حرف‌ها را می‌زند. در نتیجه خداوند در بیان آن موضوع این آیات را نازل کرد: «وَالتَّجِيمِ إِذَا هَوَىٰ. مَا صَلَّىٰ صَاحِبِكُمْ وَمَا عَوَىٰ. وَمَا يُنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (تأویل الآيات، ص ۶۲۴): سوگند به آن ستاره چون فرو افتد که یار شما نه گمراه شد و نه منحرف و از روی هوس سخن نمی‌گوید. نیست این سخن جز وحی‌ای که نازل می‌شود.» (تفسیر یک جلدی مبین، ص ۵۲۶).

بیت ۱۵: ندانستن: نشناختن. نام جناب ابوطالب، عمران بوده است و فرزندان حضرت امیر (علیه السلام) آل عمران محسوب می‌شوند. آل عمران و اصطفی به آیه ۳۳ سوره آل عمران اشاره دارد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ: همانا خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برگزید.»؛ یعنی به انتخاب و برگزیدگی آل عمران اشاره دارد و این نکته در هر دو مصراع آمده است.

بیت ۱۶: مکرمت: بزرگی و بزرگواری. *بَدْرُ الدُّجَا*: ماهی که در شب تاریک می‌درخشد. معنی: همچنان‌که ماه نور خورشید را منعکس کرده و قابل‌رؤیت می‌شود، پیامبر نیز آفتاب است و علی (علیه السلام) همچون ماه در شب تاریک. حضرت علی (علیه السلام) از نبی اکرم کسب فیض کرده است و خلایق را نور هدایت روشن می‌کند.

بیت ۱۸: هَيْجَا: جنگ. در نبرد هر زمان افراد به ظاهر پهلوان به میدان مبارزه می‌رفتند، دست خالی برگشته و به جای آن‌ها، علی (علیه السلام) با کمال شجاعت به نبرد می‌پرداخت و سرافراز همیشه میدان بود.

بیت ۱۹: از پیامبر اکرم (ص) منقول است: «صاحب سِرِّی عَلِی بن اَبِی طَالِبٍ» (موسوعة الامام علی بن اَبِی طَالِبٍ (علیه السلام) فی الکتاب و السُّنَّة و التَّارِیخ، ج ۴: ص ۴۴۲)؛ صاحب سِرِّ من، علی بن اَبِی طَالِبٍ (علیه السلام) است.

بیت ۲۰: حِیْفَه: مردار. این بیت اشاره‌ای دارد به روایتی از حضرت امیر (علیه السلام) در تشبیه دنیا به مردار که در صفحه ۵۱، ذیل بیت ۳۲ آمده است. شاید مضمون بیت اشاره به جریان سقیفه داشته باشد که حاضرین در آن جلسه برای خلافت دنیایی، حاضر شدند تا با نیرنگ، حق طبیعی حضرت علی (علیه السلام) را پایمال کنند.

بیت ۲۶: مقصود از این بیت خلفای غاصب پس از شهادت پیامبرند که پس از غصب خلافت به دشمنی با فرزندان پیامبر خدا پرداختند.

بیت ۲۷: منظور از **بی وفا** در این بیت کسانی هستند که خطبه غدیر را شنیدند و متوجه شدند که پیامبر (ص)، حضرت علی (علیه السلام) را به‌عنوان جانشین و وصی خود انتخاب و با آن حضرت بیعت کردند؛ اما بعد از وفات پیامبر عهدشکنی کرده و سقیفه را تشکیل دادند.

بیت ۲۸: مُلتَجَا: پناهگاه.

بیت ۳۰: ابتلا: آزمایش، رنج.

بیت ۳۴: نیابردن اسم حضرت حجت (ع) در این مصراع، شاید اشاره‌ای ناخودآگاه به این مطلب داشته باشد که شیعیان در زمان غیبت اجازه آوردن اسم خاص ایشان را نداشتند و نام ایشان باید همراه با تقیّه برده می‌شد.

بیت ۳۵: ذَوِی القربا: خویشان نزدیک. منظور از «بعْدِ قَل کَفِی» پایان آیه ۴۳ سوره رعد است: «... قُلْ کَفِی بِاللّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَ بَیْنِکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتَابِ»؛ و آن کسی که علم کتاب نزد او است، میان من و شما کافی است. در برخی از تفاسیر آمده است که منظور از این بخش از آیه، اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

بیت ۳۷: (رک: صفحه ۶۴-۶۶، ذیل بیت ۷ و ۸)

بیت ۳۸: اَوْحِی: فعل عربی متکلم وحده به معنای وحی کردم. «صاحب معراج» و

«اوحی و دنی» کنایه از حضرت رسول ﷺ است. پیرامون معراج و اوحی و دنی (رک: صفحه ۶۴-۶۵، ذیل بیت ۷ و صفحه ۱۳۲، ذیل بیت ۱۴).

بیت ۳۹: دغا: دغل و نادرست. منظور از آل عمران، آل ابی طالب علیهم السلام است. (برای توضیحات بیشتر، به شرح بیت ۳۳ در صفحه ۱۱۰ مراجعه کنید.) **خارجی** کنایه از دشمنان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام.

بیت ۴۵: رئیس در این بیت معادل فرماندار شهر است. در آن زمان مرسوم بود که فرمانداران شهرها را پادشاه یا شهریار تعیین می کرده است. احتمال دارد که مقصود شاعر این باشد که متابعان (پیروی کنندگان امامان) هر کدام مانند یک فرماندار هستند.

بیت ۴۶: داوری و قضاوت روز جزا بر عهده امام علی علیه السلام است. در روایتی از زبان خود امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «من جزا دهنده مردم در روز قیامت و قسمت کننده از طرف خداوند بین اهل بهشت و آتش هستم. منم صدیق اکبر و فاروقی که حق را از باطل جدا می کنم.» (أسرار آل محمد علیهم السلام، ص ۳۷۳).

بیت ۵۰: تهلیل: لا اله الا الله گفتن.

بیت ۵۱: سُها: ستاره‌ای در دب اصغر و کم‌نور که به خاطر کوچکی اش، در عهد باستان برای سنجش عملکرد بینایی مورد استفاده قرار می گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. منیر: روشن کننده. معنی بیت: ای علی علیه السلام شما مانند ماه کامل هستید و دیگران همچون سُها کم‌نورند.